

حقوق زمان ارزیابی اموال شرکت‌های تجاری طرف قرارداد ادغام (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و مصر)

محمد عیسائی تفرشی^{۱*}، احمد بیگی حبیب‌آبادی^۲، غلامحسین افراس^۳

۱. استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۶

دریافت: ۹۵/۰۳/۲۴

چکیده

یکی از موضوعات مهم در شرکت‌های تجاری، ادغام، ادغام، قراردادی است که به موجب آن، یک، دو و یا چند شرکت با توافق با شرکت موجود، در آن ادغام گردیده، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند (ادغام یکجانبه یا ساده) یا چند شرکت تجاری ضمن محو شخصیت حقوقی خود و بدون ورود به مرحله تصفیه، شرکت جدیدی را ایجاد می‌کنند (ادغام دو یا چندجانبه یا مرکب). از آنجا که در ادغام، اموال شرکت‌های طرف ادغام به‌عنوان یکی از عوامل اصلی و تعیین کننده است، نحوه محاسبه اموال شرکت‌های طرف ادغام از اهمیت بالایی برخوردار است؛ امری که بر مبنای آن ارزش سهام یا سهم‌الشرکه شرکا و میزان منافع و مسئولیت‌های آنها در شرکت باقی‌مانده یا شرکت جدید مشخص می‌گردد. در این باره که معیار محاسبه ی ارزش اموال چه زمانی است. در حقوق مصر و ایران نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. زمان انعقاد قرارداد ادغام، تعیین تاریخ توافقی جهت ارزیابی، ارزش اسمی یا دفتری معیارهایی هستند که ارائه شده‌اند.

واژگان کلیدی: ادغام، ادغام ساده، ادغام مرکب، ارزش اسمی، ارزش واقعی، امتزاج.

۱. مقدمه

برای این که قرارداد ادغام شرکت های تجاری منعقد گردد، نیاز به فراهم بودن شرایط عدیده ای است، از آن جمله موضوع ارزیابی و نحوه محاسبه آورده یا حصه شرکت های طرف ادغام است. سرمایه شرکت های تجاری با دو نرخ متفاوت مورد ارزیابی قرار می گیرد. یک نرخ، ارزش دفتری یا اسمی است که در زمان تشکیل شرکت در اساسنامه یا شرکتنامه در نظر گرفته اند. نرخ دیگر ارزش واقعی یا روز است که منظور از آن ارزشی است که در اثر وضعیت مالی یک شرکت برای سهام یا سهم شرکت در شرکت در نظر می گیرند [۱، ص ۵۵]. ادغام قراردادی است که به وسیله آن، کنترل یک، دو یا چند شرکت تجاری توسط یک شرکت تجاری دیگر انجام می شود، به نحوی که با تحقق آن شرکت یا شرکت های ادغام شونده، بدون این که تصفیه شوند منحل و محو می گردند و حقوق و تعهدات آنها به شرکت بازمانده یا جدید منتقل می شود و شرکت بازمانده یا جدید، قائم مقام شرکت های محو شده می شود [۲، ص ۱۲۳]. سؤالات اساسی که در این خصوص مطرح می گردد این است که اولاً ادغام چه زمانی محقق می گردد؟ ثانیاً ملاک ارزیابی حصه شرکت ها ارزش چه زمانی است. در نوشته پیش رو صرفاً به ادغام قراردادی پرداخته شده و منصرف از ادغام ناشی از قانون است که به دستور قانونگذار و به صورت قهری انجام می گردد و معمولاً در شرکت های دولتی واقع می شود.

۲. تاریخ انعقاد ادغام

ادغام همانند هر عمل حقوقی برای انعقاد به اراده طرفین نیازمند است، اما این که صرف اراده طرفین جهت انعقاد عقد مذکور کافی است یا خیر، موضوعی است که در حقوق ایران و مصر پاسخ یکسانی به آن داده نشده که در ادامه به بررسی آن می پردازیم:

۲-۱. حقوق مصر

برای این‌که ادغام به‌عنوان یک قرارداد لازم‌الاجرا منعقد گردد نیاز به حصول و فراهم آمدن شرایط خاصی است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۱-۱. پیش‌نویس ادغام

برای ایجاد ادغام، هیأت‌مدیره شرکت‌های طرف قرارداد، اقدام به تهیه پیش‌نویس ادغام می‌کنند که در پیش‌نویس مذکور باید اهداف و برنامه‌های شرکت جهت ورود به ادغام تشریح گردد. پیش‌نویس در اختیار بازرسان شرکت قرار می‌گیرد، آن‌ها موظفند حداکثر ظرف ۱۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده، گزارش خود را اعلام و در مرکز اصلی شرکت جهت بازدید شرکا یا سهامداران قرار دهند. سهامداران یا شرکا می‌توانند با مراجعه به شرکت از گزارش مذکور رونوشت تهیه کنند [۳، ص ۱۷۰]. در پیش‌نویس، هیأت‌مدیره به صورت دقیق میزان حقوق و تعهدات هر شرکت را مشخص می‌کند [۴، ص ۶۵۸]. هدف از این اقدامات ارزیابی صحیح آورده هر شرکت است، چرا که با ارزیابی دقیق این حصص، حقوق سایر اشخاص نیز لحاظ خواهد شد و به نوعی سود متعلق به تمام اشخاص خواه دارای آورده نقدی باشند، خواه غیر نقدی لحاظ می‌گردد [۵، ص ۴۷۰]. این امر به صراحت در ماده ۲۹۰ آیین‌نامه اجرایی قانون شماره ۱۵۹ مصوب ۱۹۸۱ مصر آمده است [۳، ص ۱۷۴].

۲-۱-۲. تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت

مطابق بند ۱ ماده ۱۳۵ قانون شماره ۱۵۹ مصوب ۱۹۸۱ با اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های طرف ادغام در شرکت‌های سهامی یا گروهی از شرکا که اکثریت لازم را مطابق قانون جهت اصلاح اساسنامه دارند-که مطابق ماده ۷۰ قانون مذکور سه چهارم سهامداران یا سرمایه‌داران شرکت- نظر خود را اعلام می‌دارند [۳، ص ۲۲۵؛ ۵، ص ۴۸۴]. البته لازم به ذکر است که اگر اخذ تصمیم توسط اکثریت موجب افزایش تعهدات سهامداران یا شرکا گردد، اجماع شرکا یا سهامداران ضرورت دارد [۵،



۲-۱-۳. تصمیم وزیر بازرگانی

مطابق بند ۱ ماده ۱۳۰ قانون شماره ۱۵۹ مصوب ۱۹۸۱ برای این که ادغام شکل قانونی و معتبر به خود گیرد باید وزیر بازرگانی با درخواست ادغام موافق باشد و آن را امضا کند. وزیر مذکور با دریافت تجویز ادغام، موضوع درخواست را به هیأت عمومی بازار ارجاع و این هیأت بعد از بررسی این امر که ادغام، تمام شرایط شکلی را رعایت کرده، نظر خود را به صورت مکتوب به وزیر اعلام و براساس آن مجوز ادغام صادر می‌گردد و بعد از صدور مجوز، ادغام رسمیت می‌یابد [ص ۴۹۱].

آنچه در این میان وجود دارد این است که ارزیابی اموال شرکت‌های طرف ادغام لاجرم قبل از تصویب ادغام در مجامع شرکت صورت می‌پذیرد و بعد از آن نیز ادغام باید به تأیید وزیر صالح برسد. حال اگر در این مدت افزایش یا کاهش در دارایی شرکت‌هایی که طرف ادغام هستند صورت گیرد، تکلیف چیست؟ امری که با توجه به اهمیت آن در ادغام شرکت‌های تجاری راه حل قطعی در حقوق مصر ندارد.

۲-۲. حقوق ایران

در قوانین ایران در ارتباط با ادغام مقررات مفصلی وجود ندارد و تنها برخی از قوانین پراکنده به موضوع ادغام پرداخته‌اند. ادغام قراردادی است که شرکت‌های تجاری با اهداف متفاوتی ممکن است اقدام به تصویب آن کنند. بدون ورود به شرایط عمومی انعقاد قراردادها، صرفاً شرایط اختصاصی ادغام را به اختصار بیان می‌کنیم.

۲-۲-۱. پیش‌نویس ادغام

با توجه به قوانین حاکم بر شرکت‌های تجاری معمولاً تغییرات اساسی شرکت مستلزم تغییر اساسنامه و شرکتنامه آن است. برای انجام چنین امری مدیر یا اعضا هیأت‌مدیره با طرح پیشنهاد خود به مجمع عمومی فوق‌العاده یا شرکای شرکت و ذکر توجیه آن و

ارائه آن به بازرسان در صورت وجود بازرس در شرکت، اتخاذ تصمیم را بر عهده شرکا یا سهامداران قرار می‌دهند. شرکا یا سهامداران نیز با اتخاذ تصمیم در چارچوب قانون و مقررات اساسنامه و شرکت‌نامه اخذ تصمیم می‌کنند.

۲-۲-۲. تصمیم شورای رقابت

طبق ماده ۴۹ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴ شرکتهای تجاری می‌توانند درخصوص این‌که ادغام آنان مشمول منع ناشی از قانون مذکور است یا خیر، از شورای رقابت کسب تکلیف کنند. با استعلام از این شورا، شورای مذکور موظف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول تقاضا آن را بررسی کند و نتیجه را به متقاضی اعلام دارد. با توجه به قانون مذکور کسب تکلیف از شورای رقابت از سوی شرکتهای امری اختیاری است و ممکن است شرکتهای با یکدیگر ادغام گردند و امور آنها به این شورا ارجاع نگردد.

۳. ملاک ارزیابی

با روشن شدن فرایند ادغام، این سؤال مطرح می‌گردد که ملاک تعیین ارزش سرمایه شرکت‌ها، ارزش چه زمانی است؟ آیا زمان توافق بین دو شرکت را باید به‌عنوان ملاک در نظر گرفت یا زمان تصویب ادغام در مجامع عمومی فوق‌العاده شرکت‌ها و یا شرکا را به‌عنوان معیار باید پذیرفت؟

۳-۱. حقوق مصر

با توجه به این امر که حقوق مصر از یک سو تحت تأثیر نظام حقوقی فرانسه و از دیگر سو نظام اسلامی است، در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد. عده‌ای اعمال قواعد حاکم بر ادغام در فرانسه را به‌عنوان راه‌حل در نظر می‌گیرند و عده‌ای دیگر برای رسیدن به نتیجه، مراجعه به موازین فقهی را راه‌حل این سکوت می‌دانند.



۱-۱-۳. روش های اقتباسی از فرانسه

در فرانسه دو روش برای زمان ارزیابی اموال شرکت های طرف ادغام ارائه شده است: روش اول: در این روش زمان انتقال دارایی شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام کننده تاریخ پیش نویس ادغام است؛ بنابراین در حد فاصل زمان پیش نویس ادغام تا زمان انتقال اموال و قطعی شدن ادغام، هر حق یا تعهد جدیدی که ایجاد گردد به شرکت ادغام کننده منتقل می گردد؛ اما دیگر محاسبه جدیدی انجام نمی گیرد. اثر مذکور صرفاً در ارتباط با شرکت های طرف ادغام مجرا است و در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اشخاص ثالث نیز حق استناد به این موضوع را ندارند [۳، ص ۱۹۶].

روش دوم: شرکت های طرف ادغام در این روش در زمان انعقاد قرارداد ادغام، یک تاریخ خاص را مشخص می کنند که در تاریخ مذکور تمام حقوق و تعهدات شرکت های ادغام شونده بر عهده شرکت ادغام کننده است و مازاد بر آن شرکت ادغام کننده تکلیفی بر عهده ندارد. رویه قضایی فرانسه در این خصوص مقرر داشته که مجمع عمومی فوق العاده شرکت برای آن سال مالی که در توافق ادغام نسبت به آن اخذ تصمیم نشده است، تشکیل شود تا بعد از تصویب ترازنامه آن سال مالی بتوان در خصوص نهایی شدن قرارداد ادغام تصمیم گرفت [۳، ص ۱۹۷].

۲-۱-۳. دیدگاه های فقهی

با توجه به جدید بودن موضوع ادغام، در فقه نظر خاصی در این خصوص وجود ندارد، اما با عنایت به مبحث تشکیل شرکت در فقه، پاسخ به این سوال که امتزاج اموال شرکا چه تأثیری بر ایجاد عقد شرکت دارد می تواند با توجه به مشابَهت ادغام با تشکیل شرکت، به عنوان یک راه حل مورد استفاده قرار گیرد.

فقه های اهل سنت به طور کلی دو دیدگاه در خصوص نقش امتزاج اموال در تحقق عقد شرکت ارائه کرده اند:

دیدگاه اول: امتزاج شرط صحت عقد شرکت است؛ یعنی این که با انعقاد عقد شرکت و همزمان با ایجاب و قبول اموال و حصص شرکا باید با یکدیگر ممزوج گردد. در این دیدگاه عقد شرکت به عنوان یک عقد عینی است و بدون اختلاط اموال اصولاً عقد شرکت

ایجاد نمی‌گردد [۶، ص ۳۴۵؛ ۷، ص ۶۹۲؛ ۸، ص ۲۲۵؛ ۹، ص ۲۷۷؛ ۱۰، ص ۴۰؛ ۷، ص ۶۹۶].

دیدگاه دوم: عقد شرکت با ایجاب و قبول ایجاد می‌گردد. در این نظر امتزاج شرط ضمان، است. با انعقاد عقد شرکت طرفین با یکدیگر شریک محسوب می‌گردند؛ ولی تا زمانی که امتزاج صورت نگیرد، حصه هر شریک که تلف گردد، این تلف از اموال اختصاصی آن شریک محسوب می‌گردد و ضرر به طرف مقابل قابل تسری نیست [۱۱، ص ۶۰؛ ۷، ص ۶۳].

۲-۳. حقوق ایران

مانند سایر موارد گفته شده در این خصوص نیز حکم خاصی در قانون تجارت ایران نیامده است و دلیل آن نیز همان‌گونه که گفته شد عدم تصریح به ادغام است که خود باعث مغفول ماندن ماهیت و آثار ادغام شده است. سؤال قابل طرح در حقوق ایران، این است که آیا زمان انتقال اموال و محاسبه دارایی شرکت‌های طرف ادغام همزمان با هم است یا خیر؟ برای ادغام مراحل طی می‌شود که مستلزم گذشت زمان، است. در این فواصل زمانی امکان تغییر ارزش اموال و در نتیجه ارزش سهم یا سهم‌الشرکه شرکت‌ها وجود دارد. تا زمانی که شرکت‌ها با یکدیگر ادغام نشده‌اند، همچنان دارای شخصیت حقوقی هستند و نمی‌توان گفت از زمان تهیه پیش‌نویس تا زمان ادغام شرکت‌ها دست از فعالیت اقتصادی خود بکشند، چرا که این امر با قواعد و اصول تجارت که همان بحث سرعت و گردش ثروت است مغایرت دارد. از سوی دیگر با توجه به اصول کلی تا زمانی که انتقال کامل اموال شرکت ادغام شده صورت نپذیرد، همچنان شرکت از شخصیت حقوقی برخوردار دارد.

۱-۲-۳. دیدگاه‌های فقهی

در فقه در خصوص این‌که آیا امتزاج اموال از شرایط انعقاد عقد شرکت است یا خیر، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از فقها معتقدند که امتزاج اموال با یکدیگر در عقد شرکت لازم و ضروری است و در واقع تا عقد شرکت با امتزاج همراه نشود



شرکت ایجاد نمی‌گردد [۱۲، ص ۲۷۵]. برخی دیگر از فقها معتقدند که عقد شرکت در اعیان قابل ایجاد و تحقق نیست و دلیل آن را چنین ذکر کرده‌اند که امکان اختلاط و امتزاج در اعیان نیست. لذا ایشان معتقدند که از شروط صحت شرکت این است که مال‌الشرکه در یکدیگر ادغام گردد، به نحوی که قابل تمیز و تشخیص از یکدیگر نباشد، در غیر این صورت، عقد شرکت ایجاد نخواهد شد [۱۳، ص ۳۴۵].

شرکت واقعی به دو دسته تقسیم می‌شود: شرکت قهری و شرکت اختیاری که در این خصوص برخی از فقها چنین گفته‌اند:

۱. شرکت واقعی قهری، مانند اینکه دو یا چند نفر مالی را به ارث برند. در این جا شرکا به صورت واقعی در تمام اجزای مال شریکند.

۲. شرکت واقعی اختیاری که خود به چهار صورت قابل تصور است:
صورت اول: سبب شرکت مستند به عقد نیست، مانند جایی که دو نفر زمین مواتی را به صورت مشترک احیا کنند.

صورت دوم: جایی که دو نفر بر اساس قرارداد طرف معامله تملیکی واقع شوند و مالی را تملک کنند.

صورت سوم: شرکتی که در اثر تشریک واقع گردد شرکت واقعی محقق می‌گردد. عقد تشریک در جایی محقق می‌گردد که به موجب آن شخصی دیگری را در مال خود شریک می‌گرداند.

صورت چهارم: شرکت واقعی که به موجب عقد شرکت محقق می‌گردد. در این نوع از شرکت چند نفر یکدیگر را در اموال خود شریک می‌کنند [۱۴، ص ۹۳].

امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی در خصوص این که شرکت‌های تجاری که مطابق قانون موضوعه شرکت تشکیل می‌گردند، از حیث صحت تشکیل این قبیل شرکت‌ها و اعمال تصرفات و معاملات و قراردادهای مربوط چه وضعیتی دارند، فرمودند: «صحت شرکت منوط به این است که سرمایه نقدی و قابل امتزاج باشد و پیش از به‌کارگیری امتزاج حاصل شود، تصرف در مال مشترک موقوف بر اجازه تمام شرکا است، شرکت از عقود جایزه است و با فوت یکی از شرکا باطل نمی‌شود، گرچه شریک نمی‌تواند بعد از مردن شریکش تصرف کند و هر یک از شرکا به نسبت شرکت

در سرمایه در امور مربوط به شرکت مسئولیت دارد و هر شریک هر مقدار سهم داشته باشد یک رأی دارد و شرکت می‌تواند شخصیت حقوقی داشته باشد و مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است» [۱۵، ص ۶۱۱-۶۱۲].

۲-۲-۳. روش‌های قانونی (حقوقی)

نکته قابل ذکر این است که در قوانین ایران درخصوص زمان ارزیابی اموال شرکت‌های طرف ادغام مقرراتی وجود ندارد، اما مقررات تشکیل شرکت‌ها و افزایش سرمایه را که تا حدودی با ادغام ساده و مرکب مشابهت دارد و نیز دیدگاه حقوقدانان درخصوص تأثیر مشخص بودن یا نبودن میزان اموال در قراردادهای مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۲-۳. قانون تجارت ۱۳۱۱

در این قانون شرکت‌های تجاری با توجه به مواد ۹۶، ۱۱۸ و ۱۸۵ زمانی تشکیل شده محسوب می‌شوند که سرمایه نقد تسلیم و سرمایه غیر نقد نیز تقویم و تسلیم شده باشد. حال اگر ادغام ساده را افزایش سرمایه و ادغام مرکب را تشکیل شرکت جدید بدانیم، آورده‌ی شرکا نقد یا غیر نقد است. در صورت نقد بودن، ایرادی به وجود نمی‌آید، اما اگر سرمایه غیر نقد باشد، این آورده‌ها توسط شرکا ارزیابی می‌گردد و به‌عنوان سرمایه‌ی شرکت پذیرفته می‌شود.

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌گردد این است که: ارزیابی چه زمانی ملاک عمل خواهد بود، قبل از ارائه پیش‌نویس افزایش سرمایه توسط هیأت‌مدیره یا بعد از آن؟ در تشکیل قطعاً این امر قبل از نهایی شدن تشکیل و در زمان ارائه‌ی پیشنهاد تشکیل شرکت اتفاق می‌افتد؛ اما اگر نوسانی رخ دهد معلوم نیست تکلیف چیست.

۲-۲-۲-۳. لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷

در قانون مذکور برای تشکیل و افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی عام و خاص در قسمت ارزیابی سرمایه‌ی غیر نقد مقنن در ماده ۷۶ مؤسسين یا هیأت‌مدیره را مکلف به اخذ نظر کارشناس رسمی دادگستری دانسته است. ارزیابی کارشناس رسمی



دادگستری را مؤسسين قبل از تشكيل مجمع مؤسس و در زمان تهيه مقدمات تشكيل شرکت انجام می دهند. در افزایش سرمایه، صرفاً به شرکت سهامی خاص طبق تبصره ۱ ماده ۱۵۸ این قانون اجازه داده شده است که مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد تأدیه شود. در این جا نیز ارزیابی قبل از اتمام مهلت افزایش سرمایه صورت می پذیرد، اما اگر نوسانی در این میان اتفاق افتد، تکلیف آن مشخص نیست.

۳-۲-۳. برخی از قانون های خاص

هرچند در نوشته حاضر به ادغام های قانونی یا قهری پرداخته نشده است، اما راه حل قانونگذار را به عنوان یک شیوه بیان می داریم. در برخی از لوایح قانونی و قانون های خاص، قانونگذار برای ادغام شرکت های دولتی و بانک ها تکالیف خاصی را مقرر داشته است؛ از آن جمله می توان به لایحه قانونی اداره امور بانک ها مصوب ۱۳۵۸ اشاره کرد که در ماده ۱۸ آن مقنن تعویض سهام بانک های سابق با سهام بانک جدید را مشروط به محاسبات فنی و حقوقی سهام سابق کرده است. در ماده واحده ادغام شرکت های دولتی که در زمینه تولید و پرورش طیور فعالیت دارند (مصوب ۱۳۷۱) مبنای محاسبه اموال شرکت های مشمول قانون، ارزش دفتری تعیین شده است. در مواد ذکر شده نیز زمان خاصی را مقنن مشخص نکرده است و ابهام زمان ارزیابی همچنان وجود دارد.

۳-۲-۳. نظریه حقوقدانان

در حقوق ایران درباره این که آیا مشخص بودن ارزش واقعی مورد معامله در زمان انعقاد قرارداد، ضروری است یا خیر و این که عدم تعیین ارزش مورد معامله چه اثری بر قرارداد خواهد گذاشت، نظریه های متفاوتی وجود دارد، از جمله این که آیا با عدم تعیین ارزش مورد معامله، می توان عقد بیعی را ایجاد کرد و ثمن آن را در آینده مشخص کرد یا خیر؟ حقوقدانان در خصوص این امر که آیا علم اجمالی کافی است یا علم تفصیلی ضرورت دارد مباحث قابل توجهی ارائه کرده اند و اختلافات زیادی با یکدیگر دارند که به شرح آتی به آنها می پردازیم.

۳-۲-۱. نظریه علم تفصیلی

در تعریف علم تفصیلی گفته شده است: در مواردی که از جهتی قطع و یقین و از جهت دیگری اجمال و ابهام وجود داشته، آن قطع را علم اجمالی گویند و اگر اجمالی نباشد آن را علم تفصیلی نامند [۱۶، ص ۲۶۲۴].

در خصوص چگونگی رفع ابهام و تحصیل علم معتبر در باب مربوط به عقود معین در رابطه با هر عقد، برخی موارد وجود دارد که علم به برخی از موارد برای صحت آن عقد ضرورت دارد. قانون مدنی در برخی از مواد به صراحت به علم تفصیلی حکم کرده است که از آن جمله می‌توان به مواد ۳۵۱ و ۳۴۲ در بحث عقد بیع و ۴۷۲ و ۴۶۸ در عقد اجاره و ۵۱۸ و ۵۱۴ در عقد مزارعه اشاره کرد [۱۷، ص ۵۲-۵۳].

۳-۲-۲. نظریه علم اجمالی

برخی از حقوقدانان معتقدند که «... در کنار قاعده عمومی، پاره‌ای از موارد وجود دارد که قانونگذار تسامح را ضروری می‌بیند و علم تفصیلی به مورد معامله را شرط نمی‌داند؛ ولی در هر حال به مجهول نمی‌توان تعهد کرد و موضوع التزام بایستگی قابل تعیین و تنفیذ باشد. نمونه‌هایی از این موارد خاص نیز در قانون دیده می‌شود؛ مانند ماده ۶۹۴ [قانون مدنی] که در آن می‌خوانیم: «علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می‌نماید شرط نیست...» یا ماده ۵۶۳ [قانون مدنی] که اعلام می‌کند: «در جعاله، معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست...» و ماده ۵۶۴ [قانون مدنی] که در همین زمینه می‌افزاید: «در جعاله، گذشته از عدم لزوم تعیین عامل، ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد» یا مواد ۷۵۲ و ۷۶۶ [قانون مدنی] که صلح دعاوی احتمالی و فرضی را مباح می‌شمرد؛ ولی پاسخ این سؤال روشن نیست که آیا موارد خاص را باید قانون به طور صریح معین کند یا از نمونه‌های داده شده می‌توان قاعده‌ای استخراج کرد و به موارد مشابه سرایت داد؟ منطق چنین حکم می‌کند که احتمال نخست پذیرفته شود؛ زیرا همان‌طور که قاعده به‌عنوان مرز آزادی قراردادهای در قانون آمده است، استثناها نیز باید در همان قانون جستجو شود. وانگهی احکام استثنایی را باید تفسیر محدود کرد تا حرمت قواعد محفوظ بماند؛ ولی حقوق



تنها زندگی منطقی ندارد و بسیاری از قواعد آن تابع رسوم و عادات و نیازها است» [۱۸، ص ۱۹۹].

برخی بر این عقیده اند که: بهترین ضابطه ای که در این زمینه می توان پذیرفت ضابطه عرفی است. در واقع مواد قانونی مربوط به علم اجمالی مبتنی بر عرف است و در مواردی هم که نص قانونی وجود نداشته باشد، برای تشخیص این که آیا علم اجمالی کفایت می کند یا نه باید به عرف رجوع کرد. در تأیید این نظر می توان چنین استدلال کرد:

اولاً دلیلی وجود ندارد که موارد علم اجمالی منحصر به مواد منصوص در قانون باشد. این نظر نه با فقه اسلامی وفق می دهد نه با عرف امروز و نه با مصلحت اجتماعی که تسهیل معاملات مردم را ایجاب می کند.

ثانیاً ضابطه قراردادهای مبتنی بر تسامح کافی برای رفع نیازهای امروز نیست و انگهی همه موارد مصرح در قانون را نمی شود با این معیار توجیه کرد. مثلاً بنا بر م. استفاد از ماده ۵۵۳ ق.م. در عملیات مورد مضاربه علم تفصیلی و ذکر تجارت خاص لازم نیست و علم اجمالی کافی است، حال آن که مضاربه را نمی توان یک قرارداد مسامحه به شمار آورد.

ثالثاً ضابطه عرفی با فقه اسلامی هم سازگار است، چه مبنای فقهی بطلان معامله مجهول، قاعده غرر است که معیار آن عرف است؛ یعنی هر جا که به علت جهل به یکی از ارکان عقد، معامله عرفاً خطرناک محسوب شود، به گونه ای که عرف از آن اجتناب کند، بر طبق قاعده غرر، فقها آن را باطل می دانند. در این جا مانند بسیاری از موارد دیگر معیار تشخیص عرف است. یکی از مصادیق کفایت علم اجمالی که بعضی از فقها ذکر کرده اند موردی است که مالی به قیمت بازار فروخته می شود. این معامله از آن جا که غرری محسوب نمی شود صحیح تلقی شده است.

رابعاً این ضابطه از ملاک ماده ۵۵۳ قانون مدنی هم قابل استنباط است، چه در این ماده، چنان که اشاره شد، برای تشخیص تجارت مورد مضاربه به عرف ارجاع گردیده و چنان است که رفع غرر و علم اجمالی با توجه به عرف کافی شناخته شده است و چون از این لحاظ خصوصیتی در مضاربه نیست، می توان این قاعده را به سایر

قراردادها گسترش داد [۱۹، ص ۱۳۴-۱۳۵].

۳-۲-۳-۱. غرر و اثر آن در علم اجمالی

آنچه از عبارت حقوقدانان مشخص می‌گردد این است که اشکال اساسی در این رابطه، یعنی اکتفا به علم اجمالی، احتمال ورود به غرر را زیاد می‌کند. در بدو امر نیز چنین به نظر می‌رسد؛ بنابراین باید این مورد روشن شود که اصولاً غرر چیست و چگونه ممکن است در قرارداد وارد گردد و راهکار چیست؟ غرر در لغت به معنای خدعه، اغفال، خطر، غفلت است [۲۰، ص ۲۲].

در اصطلاح معامله غرری به معامله‌ای گفته می‌شود که به یکی از جهات معامله برای یکی از طرفین معامله مجهول باشد و این امر باعث شود که احتمال ورود ضرر در میان باشد، این معامله غرری و باطل است [۲۱، ص ۴۸۹].

فقها اتفاق نظر دارند که در معنای غرر، جهالت وجود دارد و جهل مورد اتفاق تفاسیر، موجود در معنای غرر است، خواه این جهل در اصل وجود میباید باشد خواه در اصول عام و یا صفات میباید یا ثمن از حیث کمیت یا کیفیت [۱۸، ص ۲۴-۲۵].

با توجه به گفته مذکور مشخص می‌گردد که جهالت مذکور در نظر فقهای شیعه می‌تواند یا به صورت تردید در موجود بودن مورد معامله یا تردید در قدرت تسلیم مورد معامله یا تردید در کمیت یا کیفیت مورد معامله باشد. در بحث ما می‌توان گفت به نوعی در نگاه اول هر سه مورد ممکن است مصداق پیدا کند. اگر ما پیش‌نویس طرح ادغام را به‌عنوان منبع ارزیابی حصة شرکت‌های طرف ادغام بپذیریم، اولین تردید این است که آیا در زمان انجام ادغام و امتزاج اموال تمام شرکت‌هایی که طرف ادغام از باب ارزیابی سرمایه و به نوعی میزان سهام و حصة خود مطرح کرده‌اند، باقی خواهند ماند؟ همچنین این تردید وجود دارد که آیا تمام اموال مذکور قابل تسلیم به شرکت ادغام‌کننده یا شرکت جدیدی که ایجاد می‌گردد است یا خیر؟ چرا که ممکن است طلبکاران شرکت که حق وثیقه نسبت به اموال مذکور دارند حاضر به پذیرش ادغام و این جابه‌جایی نباشند. همچنین تردید در کمیت و کیفیت مورد معامله نیز قطعاً وجود خواهد داشت؛ به این دلیل که مشخص نیست آیا ارزش اعلامی حصة شرکت یا



شرکت‌های ادغام شونده که در پیش‌نویس ادغام آمده است، همان ارزشی است که در لحظه ادغام و امتزاج اموال به شرکت ادغام کننده یا شرکت جدید می‌رسد. البته همین تردید نیز در خصوص ارزش دارایی شرکت ادغام کننده در زمان ادغام وجود دارد. از آنجا که تجارت و پرداختن به اعمال تجاری همواره دارای نوسان است، احتمال ورود ضرر یا نفع در شرکت‌های تجاری همیشه وجود دارد. طبعاً برای شرکای شرکت‌های ادغام شونده و ادغام کننده، ادغام و آثار آن دارای اهمیت بسزایی است. آن‌ها می‌خواهند به صورت قطعی بدانند چه میزان ارزش به‌عنوان سهام وارد در شرکت ادغام کننده یا شرکت جدید می‌کنند و چه میزان سهم‌الشرکه یا سهام شرکت ادغام کننده یا جدید به آن‌ها تعلق خواهد گرفت.

۳-۲-۳-۲. مغاینه و مسامحه و اثر آن در علم اجمالی

همان‌گونه که سابقاً گفته شد ادغام دارای ماهیت خاص است و در قالب عقود موجود در قانون مدنی قابل تحلیل و تفسیر نیست؛ بنابراین اگر در خصوص احتمال ورود غرر در این معامله دچار شک و تردید بشویم، باید به این سؤال نیز پاسخ بگوییم که ادغام از حیث معوض بودن یا نبودن چه وضعیتی دارد؟

شرکت ادغام شونده تمام حقوق و تعهدات خود را به شرکت ادغام کننده انتقال می‌دهد و در مقابل آن شرکت ادغام کننده، سهام یا سهم‌الشرکه به شرکا یا سهامداران شرکت ادغام شونده پرداخت می‌کند. از این حیث می‌توان گفت، در ادغام ساده آنچه اتفاق می‌افتد، ورود به شرکت موجود است. در ورود به شرکت موجود هر شخص با توجه به میزان آورده خود از سهم‌الشرکه شرکت موجود سهم‌الشرکه‌ای دریافت می‌کند؛ بنابراین در ادغام ساده می‌توان گفت یک نوع معاوضه صورت می‌پذیرد، اما بر ادغام ترکیبی که اثر آن ایجاد شرکت جدید است، نمی‌توان اثر مذکور را بار کرد؛ بنابراین سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است ادغام ترکیبی مبتنی بر مغاینه است یا مسامحه؟ عقد مغاینه‌ای را عقد مکایسه‌ای می‌گویند. عقد مغاینه‌ای عقدی است که طرفین عقد، با اعمال دقت و قصد تحصیل حداکثر امتیاز ممکن عقد را ایجاد می‌کنند، همانند عقد بیع که ارفاق، تسامح و تساهل در آن وجود ندارد [۲۱، ص ۲۵۹۴].

عقود مسامحه‌ای از آن دسته از عقودند که در آن طرفین عقد به مادیات نمی‌اندیشند و هدف‌های اخلاقی بر سودجویی متعارف غلبه دارد [۲۲، ص ۱۲۸].

در این خصوص که ادغام مغاینه‌ای یا مسامحه‌ای محسوب می‌شود به نظر می‌رسد باید قائل به تفکیک بین ادغام ساده و مرکب باشیم. در ادغام ادغام ساده، همان‌گونه که سابق بر این گفته شد شرکت‌هایی که به‌عنوان شرکت‌های ادغام شونده وارد در شرکت ادغام‌کننده می‌شوند در واقع سرمایه متعلق به شرکا را به‌عنوان آورده وارد در شرکت ادغام‌کننده می‌کنند. طبعاً درخصوص این نوع سرمایه‌گذاری طرفین به دنبال تأمین حداکثری منافع خود هستند. شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده با توجه به توجیه خاص خود حاضر به از دست دادن شخصیت حقوقی خود و انتقال سرمایه خود به شرکت ادغام‌کننده می‌گردند. در طرف مقابل نیز شرکت ادغام‌کننده با توجه به نیازهای خود حاضر به پذیرش شرکت‌های ادغام شونده (شرکا و سرمایه شرکت‌های ادغام شونده) می‌شوند؛ بنابراین در این گونه ادغام شرکت‌های طرف ادغام هر کدام به نوعی صرفه و صلاح خود را در این قرارداد مد نظر دارند. نتیجه این می‌شود که قطعاً ادغام ساده عقدی مبتنی بر مسامحه نیست. حال این‌که آیا چنین قراردادی مبتنی بر مغاینه است یا خیر در ادامه بررسی می‌شود.

اما در ادغام مرکب که دو یا چند شرکت با یکدیگر ادغام می‌گردند، با از دست دادن شخصیت حقوقی خود شرکت جدید با شخصیت حقوقی جدید تشکیل می‌دهند. در این مورد از ادغام، شرکت‌های طرف ادغام مصلحت خود را در این می‌بینند که هر کدام سرمایه خود را جهت پرداختن به موضوع مد نظر به شرکت جدید انتقال دهند. در این‌جا همانند ادغام ساده، طرفین طبعاً قصد تسامح ندارند؛ اما آیا طرفین به دنبال مغاینه‌اند یا خیر؟ همان‌گونه که برخی از حقوقدانان نیز گفته‌اند: «مفهوم قصد شرکت، به معنای اراده، اتحاد و یا همکاری در منافع است. در قراردادهای معوض در بیش‌تر موارد رویارویی منافع میان طرفین وجود دارد و منافع هر یک با دیگری در تعارض است؛ مانند عقد بیع که در آن خریدار و فروشنده با یکدیگر در تضاد هستند و هر یک در صدد تأمین منافع خویش است. ولی در شرکت همه شریکان ذی‌نفع در حسن اجرای امور هستند و انگیزه‌ها یا امتیازات شخصی جنبه ثانوی دارند» [۲۳، ص ۶۸].



با توجه به این نکته می‌توان گفت که هرچند در بدو امر ممکن است به نظر برسد که در ادغام ساده طرفین باید به دنبال کسب سود خود باشند، اما اگر به صورت دقیق نگاه کنیم اصولاً هدف مشترک طرفین حتی اگر به دنبال نفع صددرصدی باشند، اما در تقابل با یکدیگر نیست، چرا که در نهایت امر این هدف مشترک که همان کسب سود بیش‌تر است، هدف طرفین است. لاجرم منافع به شرکا می‌رسد و تفاوتی نمی‌کند که از شرکت ادغام شونده یا شرکت ادغام‌کننده باشند. عکس آن نیز صادق است که اگر شرکا به دنبال ورود ضرر به یکدیگر باشند، در نهایت آنچه حاصل می‌گردد ضرری است که حاصل فعالیت شرکت می‌گردد و در نتیجه اثر آن به شرکا شرکت می‌رسد؛ بنابراین در شرکت موضوع دارای اهمیت، این است که شرکا در شرکت‌های طرف ادغام نه به دنبال مغایرت در معنای اخص خود هستند و نه به دنبال مسامحه و گذشتن از حقوق خود، بلکه یک نوع اشتراک مسامحه است که با به کار بستن بیش‌ترین سعی و تلاش خود شرکا به دنبال رسیدن به حداکثر سود هستند [۲۴، ص ۱۴۴]. قانون مدنی عقود را به مغایرت‌های و مسامحه‌ای تقسیم نکرده است، ولی ماده ۷۶۱ قانون مدنی بیان می‌کند: «صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد، قاطع بین طرفین است و هیچ‌یک نمی‌تواند آن را فسخ کند، اگرچه بر ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار». همچنین برخی از حقوقدانان معتقدند که قسمت پایانی ماده ۲۱۶ قانون مدنی مربوط به عقود مسامحه است [۲۱، ص ۱۳۲-۱۳۳]. این ماده مقرر می‌دارد: مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.

با استقرا در موارد خاصی که در مورد عقود مغایرت‌های و مسامحه‌ای وجود دارد می‌توان گفت: آن‌جا که قرارداد بر مبنای مسامحه ایجاد می‌گردد، طرفین با توجه به نوع نیازی که دارند یا آنچه به عنوان دلیل انعقاد قرارداد است، برخی از احتمالات را در روابط خود می‌پذیرند؛ بنابراین آن‌جا که بحث احتمال در انعقاد عقود مطرح می‌شود، علم اجمالی طرفین کفایت می‌کند. لذا عقود از جمله ضمان، بیمه، مشارکت‌ها و عقود رایگان از همین قاعده تبعیت می‌کنند. حقوقدانانی که دارای این دیدگاهند دو نکته را به عنوان موارد ضروری جهت تحلیل و تفسیر موارد علم اجمالی مدنظر دارند:

۱. در عقود مسامحه‌ای جهت اجرای قاعده مذکور آنچه باید مد نظر باشد این است که اجرای این قاعده دارای ملاک نوعی است، نه شخصی.

۲. در مواردی که نیاز عمومی اقتضا دارد که معامله‌ای مشمول اجرای قاعده علم اجمالی و تسامح در خصوص این علم گردد، تشخیص این امر با مقنن است و دادرس حق ندارد هر جا که خود صلاح بداند اجرای قاعده را در مورد مد نظر خود مستند صدور حکم خود قرار دهد [۲۵، ص ۲۰۰]. با توجه به این دیدگاه می‌توان گفت: اجرای علم اجمالی مبتنی بر اصول و قواعد خاصی است که معمولاً در قواعد و مقررات حقوقی و فقهی وجود دارد و تخلف از آن نمی‌تواند بدون دلیل و مبنا صورت پذیرد.

سؤالی که مطرح می‌گردد این است که قرارداد ادغام به‌عنوان یک عقد نوظهور در حقوق ایران جزء عقود مسامحه‌ای است یا عقود مغاینه‌ای؟ آنچه که با تدقیق در این دیدگاه می‌توان گفت این است که ادغام در واقع ورود به شرکت موجود یا تشکیل شرکت جدید است و بنابراین علم اجمالی در خصوص عوضین کفایت می‌کند.

یکی از حقوقدانان با مطرح کردن مصلحت کامنه این موضوع را چنین شرح می‌دهد: مصلحت کامنه، مصلحتی است که نهاد یا طبع عقدی از عقود (یا ایقاعی از ایقاعات) اقتضای آن را دارد به نوعی که طرف قرارداد، غیرممکن است که بدون التفات به آن اقدام به انعقاد عقد نمایند. در واقع این مصلحت به‌عنوان یک مصلحت زیربنایی عقود می‌باشد. این همان مصلحتی است که در عقود لازم همانند بیع یا نکاح یا بیمه اقتضای لزوم آن‌ها را دارد [۲۶، ص ۵۱۶].

حقوقدانانی که عرف را به‌عنوان ملاک تشخیص علم اجمالی و تفصیلی مطرح می‌کنند، چنین می‌گویند:

۱. دلیلی وجود ندارد که مورد علم اجمالی را محدود به موارد منصوص در قانون کرد.

۲. ملاک عرفی با فقه اسلامی هم سازگار است؛ چرا که ملاک بطلان معامله مجهول، قاعده غرر است که مبنای آن عرف است؛ یعنی هر جا که به علت جهل به یکی از ارکان عقد، معامله عرفاً خطرناک یا مجهول محسوب شود، به گونه‌ای که عرف از آن اجتناب کند، بر طبق قاعده غرر، فقها آن را باطل می‌دانند. در این جا مانند بسیاری از موارد

دیگر معیار تشخیص عرف است [۱۸، ص ۱۳۵].

اگر عرف را ملاک عمل بدانیم، با توجه به این که علم تفصیلی در ارزش سهام یا سهام‌الشرکه‌ای که در مقابل انتقال اموال از شرکت‌های ادغام شونده به شرکای این شرکت‌ها اختصاص می‌یابد و فاصله زمانی که از تاریخ توافق اولیه و ارزیابی سرمایه شرکت‌های طرف ادغام تا زمان ادغام به طول می‌انجامد که در این فاصله زمانی ارزش سهام یا سهام‌الشرکه تغییر پیدا می‌کند، نمی‌توان علم تفصیلی را به معنای اخص در ادغام مؤثر دانست؛ بنابراین، حتی اگر علم تفصیلی را ملاک عمل قرار دهیم، عرف ناچار به پذیرش این میزان از مسامحه و نادیده گرفتن ارزش اموال شرکت‌های طرف ادغام است.

۴. نتیجه‌گیری

درخصوص ادغام شرکت‌های تجاری، به نظر می‌رسد با توجه به این که ماهیت آن پیچیده و خاص است و از سوی دیگر حسب تازگی بودن این امر در حقوق ایران و مصر از یک سو و عدم ارائه راهکار در فقه اسلامی برای موضوع مذکور، می‌توان این گونه استنباط کرد که با توجه به اصول کلی حاکم بر قراردادها، با انجام تمام مراحل مربوط به ادغام و اخذ موافقت شرکا یا سهامداران برای انجام این عمل حقوقی و اخذ مجوز از سوی نهادهای نظارتی، هیأت‌مدیره شرکت‌های طرف ادغام در آخرین مرحله و قبل از نهایی کردن قرارداد ادغام، ظرف مدت خاصی نظریه کارشناسان رسمی دادگستری را اخذ و قرارداد ادغام را نهایی می‌کنند بنابراین نیاز به ارزیابی و ارائه ارزش اموال در زمان ارائه گزارش به مجمع عمومی فوق‌العاده توسط هیأت‌مدیره وجود ندارد. چنانچه این دیدگاه از سوی مقنن مورد پذیرش قرار گیرد، در حداقل زمان ممکن ارزیابی اموال انجام می‌گردد و اگر در این مدت اندک تغییرات کوچکی نیز صورت بپذیرد قابل مسامحه و گذشت است.

۵. منابع

- [۱] حسنی، حسن، حقوق تجارت، ج ۲، چ ۱، نشرمیزان، ۱۳۸۹.
- [۲] عیسائی تفرشی، محمد، تعریف ادغام قانونی (واقعی) شرکت‌های سهامی و انواع آن از لحاظ حقوقی مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶ شماره ۴، ۱۳۹۱.
- [۳] حسنی المصری، اندماج الشركات و انقسامها در اسه المقارنه، دارالکتب القانونیه مصر، ۲۰۰۷.
- [۴] محسن شفیق، الو سیط فی القانون التجاری المصری، الجزء الثاني، الطبعة الثالثة، مكتبة النهضة المصریه، ۱۹۵۴.
- [۵] عبدالوهاب عبدالله المعمری، اندماج الشركات التجاریه متعدده الجنسیات، دارالکتب القانونیه القاهره، ۲۰۱۰.
- [۶] ابراهیم بن علی یوسف الشیرازی ابواسحاق، المهذب فی الفقه الامام الشافعی، الجزء الاولی، دارالفکر بیروت لبنان، بی تا.
- [۷] محمد بن احمد بن رشید القرطبی ابوالولید، بدایه المجتهد و نهایه المجتهد، الطبعة الاولی، مؤسسه الرساله بیروت لبنان، ۲۰۰۴.
- [۸] مصطفی الخفاء و زملاء، الفقه المنهجي علی مذهب الامام الشافعی، الجزء الثالثه، الطبعة الثانيه، دارالبشیرجده، ۱۹۹۶.
- [۹] یحیی بن شرف النووی ابوزکریا، منهاج الطالبین، الجزء الاولی، دارامعرفه بیروت، بی تا.
- [۱۰] سلیمان بن عمر بن محمد البجریمی، حاشیه البجریمی، الجزء الثالثه، دیاربکرترکیا، بی تا.
- [۱۱] علاءالدین الکا سانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرايع، الجزء الساد سه، الطبعة الثانيه، دارالکتب العربی بیروت، ۱۹۸۲.
- [۱۲] طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم، العروه الوثقی، ج ۵، چ ۴، نشر مؤسسسه نشراسلامی، ۱۴۳۲.
- [۱۳] ابی جعفر محمد ابن الحسن علی الطوسی، المبسوط فی الفقه الامامیه، الجزء الثاني، نشرالمکتب المرتضویه، بی تا.

- [۱۴] عیسائی تفرشی، محمد، ماهیت حقوقی شرکت مدنی و شرکت سهامی، تاملاتی در حقوق تطبیقی، ج ۲، چ ۳، نشر سمت، ۱۳۹۰.
- [۱۵] کیائی، عبدالله، قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)، ج ۱، چ ۲، نشر سمت، ۱۳۸۴.
- [۱۶] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۴، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- [۱۷] صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱، ۱۳۸۲.
- [۱۸] رفیعی، محمدتقی، مطالعه تطبیقی غرر در معامله، چ ۱، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۱۹] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۴، نشر گنج دانش، ۱۳۷۲.
- [۲۰] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، چ ۲، ۱۳۸۱.
- [۲۱] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۳، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.
- [۲۲] کاشانی، سید محمود، حقوق مدنی قراردادها و ویژه، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- [۲۳] ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
- [۲۴] شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، چ ۱، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷.
- [۲۵] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۴، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- [۲۶] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ عناصر شناسی، چ ۱، نشر گنج دانش، ۱۳۸۲.